

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

مدیر مسئول:

محمدامین ایمانجان‌ی

فایتم‌قام مدیرمسئول:

مسعود فروغی

سر‌دبیر:

محمد زعیم‌زاده

تلفن و فکس:

۰۲۱) ۶۲۹۹۹۲۹۵

کدپستی:

۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶

چاپ:

چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی

نشانی:

خیابان حافظ،پلین‌تر از‌جمهوری

روی‌مروی ساختمان‌پورس

ساختمان فرهیختگان، طبقهٔ سوم

۱۶

۵ اقتصاددان درگفت‌وگو با «فرهیختگان»:

دولت بستهٔ مقابله با تعلیق را روی میز بگذارد

روز گذشته‌نامه‌ای با‌عنوان هشدار ودعضو کمیسیون اقتصادی مجلس به بانک مرکزی در رسانه‌ها منتشر شد. در این نامه آمده است‌در بازار پول، نرخ‌های بهره‌واقعی به‌سطوحی رسیده‌اند که از آن تنها ناترازی، بی‌ثباتی و فرار سرمایه‌زاییده می‌شود. بخش تولید، به‌ویژه صنایع کوچک و متوسط، دیگر توان ایستادگی در برابر این فشار مضاعف را ندارد. آن‌ها زیر آوار نرخ‌های تسهیلات بالای ۳۵ درصد، بی‌ثباتی بازار ارز، عدم پیش‌بینی‌پذیری و انباشت بدهی در حال خاموش شدن هستند. در چنین شرایطی، تمرکز صرف بر کنترل بودن توجّه به عمق رکود، به معنای تکرار تجربه‌های تلخ دهه‌های پیشین است که به قیمت نابودی ظرفیت‌های تولیدی، ثبات صوری ایجاد کرد. در نهایت، ودعضو کمیسیون اقتصادی مجلس از بانک مرکزی درخواست کرده‌اند با درک عمق شرایط و با شجاعت لازم، از مسیر پره‌زنبه انقباض افراطی فاصله‌گیرد و برای صیانت از آنچه از تولید ملی و معیشت مردم باقی مانده، تصمیمی درخور این مقطع تاریخی اتخاذ کند. «فرهیختگان» در گفت‌وگو با پنج کارشناس اقتصادی به بررسی ابعاد مختلف این موضوع یعنی درخواست نمایندگان مجلس از بانک مرکزی برای پایان دادن به سیاست انقباضی پرداخته است.

« دچار خستگی سیاست پولی شده‌ایم

حسین درویدان، اقتصاددان، با اشاره به نامه اخیر کمیسیون اقتصادی مجلس به بانک مرکزی دربارهٔ لزوم توقف سیاست‌های انقباضی و کاهش نرخ‌های تأمین مالی گفت: «در سال‌های اخیر مسیر سیاست‌های پولی انقباضی با هدف کنترل نقدینگی و تورم پیگیری شد، اما اکنون، دست‌کم یک توقف یا تنفس در این روند ضروری است.» وی افزود: «این توقف نه تنها از منظر خستگی سیاستی منطقی است، بلکه با توجه به شرایط جدید سیاسی و فضای تعلیق ناشی از تحولات منطقه‌ای، باید به‌عنوان یک ضرورت دیده شود.»

« فضای تعلیق اقتصاد، نیازمند تغییر سیاست‌گذاری است

درویدان با اشاره به وضعیت خاص اقتصاد کشور گفت: «ما اکنون وارد فضایی متفاوت نسبت به گذشته شده‌ایم؛ ا تسفیری از جنس تعلیق و بی‌الکتلیفی که در آن، به‌دلیل افزایش ریسک‌ها و نااطمینانی مردم تمایل به محدود کردن سطح مخارج خود دارند. این کاهش عمدتاً در حوزهٔ مخارج سسر مایه‌ای و مصرفی با دوام مانند خرید مسکن، خودرو یا اثاثیه خانه رخ داده است که به‌نحو به خود آسیبی است برای اقتصاد کشور. راه‌گشای در این زمینه این است که دولت راهکارهایی را اتخاذ کند که بتواند مخارج مردم را تحریک و تقویت کند.» وی افزود: «این رفتار احتیاطی خانوارها، موجب انجماد تقاضا در بازار ها شده و خود به تشدید رکود منجر می‌شود. در چنین فضای سیاست‌های پولی انقباضی نه تنها کارایی ندارد، بلکه می‌تواند به تعمیق رکود نیز بیانجامد.»

« سیاست انبساطی در شرایط فعلی منجر به تورم می‌شود؟

این اقتصاددان تأکید کرد: «راه بر و ن‌رفت از رکود در شرایط تعلیق، استفاده از سیاست‌هایی است که بتواند سمت تقاضا را تحریک کند. در این راستا، کاهش نرخ‌های بهره و رشد هدفمند کمیت‌های پولی می‌تواند به تقویت مخارج و رشد اقتصادی کمک کند.» وی ادامه داد: «الته روی برخی نگران تورم‌زایی سیاست‌های انبساطی هستند، اما واقعیت این است که اثر ضد تورمی سیاست‌های انقباضی در سال‌های اخیر چندان قوی نبوده؛ چرا که عامل اصلی تورم بیشتر به بی‌ثباتی‌های بیرونی، تحریم‌ها و ریسک‌های ژئوپلیتیک بازمی‌گردد تا صرفاً رشد نقدینگی.»

« نرخ بهره بالا؛ مانعی جدی برای تولید

درویدان با اشاره به نرخ‌های بالای تأمین مالی در بازار گفت: «هزینه تأمین مالی ۳۰ تا ۴۰ درصدی، تولید را هم از ناحیه افزایش هزینه‌ها و هم از ناحیه کاهش فروش تحت فشار قرار داده است. بنگاه‌هایی که نمی‌توانند سرمایه در گردش یا منابع لازم برای توسعه خود را تأمین کنند، دچار توقف یا عقب‌نشینی می‌شوند و این در نهایت رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد.» وی ادامه داد: «کاهش رشد اقتصادی در بلندمدت خود موجب کاهش پتانسیل عرضه و حتی بازگشت فشارهای تورمی می‌شود؛ بنابراین سیاست پولی انقباضی اگرچه در ظاهر ضدتورم می‌است، اما می‌تواند تورم آینده را نیز تشدید کند.»

« تمرکز انبساطی بر بخش مصرف و مخارج خانوار

وی درباره جهت‌دهی سیاست‌های انبساطی گفت: «در شرایط عادی سیاست‌های انبساطی گزینشی باید معطوف به بنگاه‌های مولد با سابقه عملکرد قابل قبول و با استعداد در رشد باشد. با این حال، در فضای تعلیق فعلی، تمرکز باید بر تحریک سمت تقاضا و مخارج بر کالا‌های ایرانی باشد. به‌طور خاص، حمایت از خرید کالا‌های ایرانی مانند اثاثیه منزل یا مسکن می‌تواند به تحرک اقتصاد کمک کند.»

« بازگشت دولت به صحنه سرمایه‌گذاری

درویدان در پاسخ به پیشنهاد برخی کارشناسان درباره فعال‌سازی نهادهای توسعه‌ای دولتی همچون ایل‌رو، ایمیل‌رو و شرکت ملی پتروشیمی و شرکت ملی نفت گفت: «با توجه به عقب‌نشینی بخش خصوصی از سرمایه‌گذاری به‌دلیل نااطمینانی پس از جنگ، دولت باید نقش فعالی در سرمایه‌گذاری ایفا کند. نهادهای مذکور می‌توانند در این برهه زمانی بار سرمایه‌گذاری را به دوش بکشند.» وی اظهار کرد: «در فضای فعلی با چشم‌انداز منفی اقتصاد در آینده، طبعاً بخش خصوصی در

فضای تعلیق، تمایل چندانی برای توسعه ظرفیت ندارد، لذا باید با رصد دقیق، آن دسته از بنگاه‌های بخش خصوصی که همچنان قابلیت و تمایل سرمایه‌گذاری دارند، شناسایی و مورد حمایت و یژه قرار گیرند. با این حال، راهبرد اصلی در کوتاه‌مدت و تنها انتخاب موجود، استفاده از ظرفیت نهادهای توسعه‌گر دولتی است. دولت باید محدودیت‌های قانونی مانند قانون کلی اصل ۱۴۴ را برای مدتی تعلیق کند.»

« لزوم ارائهٔ بستهٔ مقابله با تعلیق

درویدان در پایان خاطر نشان کرد: «ام‌کن است وضعیت تعلیق یا انجماد در اقتصاد ایران، در صورت تکرار نشود یا ادامه‌املاکتلیفی سیاسی، برای مایه‌ای‌حاتی طولانی‌تر ادامه یابد. از این‌رو، لازم است دولت در کوتاه‌ترین زمان ممکن، یک بسته سیاستی مشخص برای مقابله با رکود اقتصادی ناشی از این فضا طراحی و اجرا کند.»

« بانک مرکزی سیاست هدایت اعتبار را کلید بزند

وحید شقاقی شهری، اقتصاددان در گفت‌وگو با «فرهیختگان» عنوان کرد: «بانک مرکزی در دولت سیزدهم با هدف کنترل رشد نقدینگی و تورم دست به اعمال یکسری سیاست‌های پولی انقباضی زد و تلاش کرد از شدت اثرات تحریمی بر تورم بکاهد. با این حال به دلیل سلطه مالی دولت بر بخش پولی مشخص بود که مهار بلندمدت تورم از مسیر سیاست‌های پولی انقباضی مقدور نخواهد شد و صرفاً اتکا به سیاست‌های پولی انقباضی تنها در کوتاه‌مدت پاسخ‌گوست. البته در دولت چهاردهم از شدت سیاست‌های پولی انقباضی کاسته شد با این حال برنامه هفتم هدف رشد نقدینگی را محور قرار داده و بانک مرکزی ملزم به پاسخگویی است. بدیهی است سیاست‌های پولی انقباضی توان مداوم بلندمدت را ندارد و شرایط رکودی کنونی شرایط سختی بر کشور حاکم کرده است. نظر به اینکه ریشه تورم در اقتصاد ایران به ناترازی‌های اقتصاد کلان مرتبط است و اثرات ناترازی‌های اقتصادی بر کسری‌های بودجه تحمیل و از این طریق بر بخش پولی و بانکی کشور سربایت می‌کند، لذا بنده با پیشنهاد کاهش شدت سیاست‌های پولی انقباضی موافقم و پیشنهاد دارم بانک مرکزی سیاست هدایت اعتبار را کلید بزند و با هدف‌گیری بهتر هدایت اعتبارات، در شرایط رکودی شدید تلاش کند از ورشکستگی بنگاه‌های تولیدی جلوگیری کند.»

« تصویری از عرضه و تقاضای اقتصاد ایران

محمد رضا عبدالملی، پژوهشگر مرکز پژوهش‌های مجلس، در گفت‌وگو با «فرهیختگان» تصریح کرد: «برای تحلیل دقیق وضعیت اقتصادی کشور، ابتدا باید شناخت کاملی از متغیرهای کلان اقتصادی و به‌ویژه رشد اقتصادی داشته باشیم. رشد اقتصادی که نشان‌دهنده وضعیت بخش حقیقی اقتصاد است، می‌تواند مثبت یا منفی باشد و عوامل مختلفی در آن تأثیرگذارند. بر اساس آخرین آمار منتشرشده توسط بانک مرکزی و مرکز آمار ایران برای سال ۱۴۰۳، رشد اقتصادی حدود ۳ تا ۳٫۱ درصد گزارش شده است. این نرخ رشد نسبت به دو سه سال گذشته کمی کاهش یافته، اما همچنان مثبت ارزیابی می‌شود. با این حال، تحلیل دقیق‌تر اجزای این رشد نشان می‌دهد که بانک مرکزی و مرکز آمار، تصویری متفاوت از وضعیت بخش حقیقی ارائه می‌دهند.»

وی افزود: «بر اساس داده‌های بانک مرکزی، رشد تولید اقتصاد بر اساس هزینه به شکل زیر است: مصرف خانوارها حدود ۳ درصد، هزینه‌های دولتی نزدیک به ۳٫۸ درصد، و تشکیل سرمایه حدود ۳ درصد افزایش یافته است. این داده‌ها حاکی از آن است که در سال ۱۴۰۳، اقتصاد با چالش جدی در بخش تقاضای داخلی مواجه نبوده است. در مقابل، مرکز آمار ایران با وجود اعلام رشد نزدیک به ۳ درصد، گزارش می‌دهد که مصرف خانوارها و تشکیل سرمایه تغییر قابل توجهی نسبت به سال قبل نداشته‌اند و تنها هزینه‌های دولتی رشد داشته است. این تصویر نشان می‌دهد که باوجود افزایش تولید، تقاضای داخلی قادر به پوشش این رشد نبوده و بخش عمده تولید یا صادر شده یا به موجودی انبار اضافه شده است.»

« تورم ناشی از انتظارات تورمی را جدی بگیریم

عبدالملی تکمیل کرد: «علاوه بر این، داده‌های ترانکشن‌های بانکی بهار ۱۴۰۴ نشان‌دهنده کاهش قابل توجه در هزینه‌های خانوارهاست که احتمالاً متأثر از شرایط ناپایدار اقتصادی و جنگ‌های منطقه‌ای است. این وضعیت می‌تواند نشانه‌ای از کاهش تقاضا و حرکت اقتصاد به سمت مازاد عرضه باشد. در چنین شرایطی، اقتصاد کشور با چند چالش هم‌زمان مواجه است: کاهش تقاضا، محدودیت در تأمین مالی وارز، و آسیب‌دیدن بخش تولید. بنابراین، نیاز به سیاست‌گذاری‌های کوتاه‌مدت و هدفمند برای تحریک تقاضا وجود دارد. در پاسخ به نگرانی‌های منتقدان که می‌گویند اجرای سیاست‌های انقباضی پولی بانک مرکزی برای کنترل تورم ضروری است، باید گفت بخش قابل توجهی از تورم موجود، ناشی از انتظارات تورمی است تا رشد پولی واقعی. بانک مرکزی در سال‌های اخیر تلاش کرده‌رخ رشد نقدینگی را کنترل کند و به هدف ۴۴ درصد برسد که اگر این رشد نقدینگی با رشد اقتصادی حدود ۴ تا ۴ درصد همراه باشد، نرخ تورم باید حدود ۲۰ درصد باشد، اما تورم واقعی بیش از ۳۰ درصد گزارش شده است. این موضوع نشان می‌دهد عوامل غیرپولیی و ساختاری نیز در تورم تأثیرگذارند.»

« کلید عبور از شرایط سخت اقتصادی

وی در پایان یادآور شد: «بنابراین، به نظر می‌رسد سیاست‌گذاران باید با دو شرط مهم پیش بروند: اول، به‌روزرسانی مداوم تحلیل‌ها و داده‌های اقتصادی و واکنش سریع به تغییرات رشد اقتصادی؛ و دوم، رعایت قاعده‌مدنی در سیاست پولی تا از افزایش بی‌رویه نقدینگی و ناپایداری اقتصادی جلوگیری شود. در نهایت، با وجود

چالش‌ها، رشد اقتصادی مثبت و پایداری نسبی تقاضای داخلی می‌تواند نقطه امیدوی برای عبور اقتصاد کشور از شرایط کنونی باشد، مشروط بر آنکه سیاست‌های اقتصادی به‌موقع و هوشمندانه اجرا شوند.»

« ۴ شرط برای تغییر ریل سیاست پولی

سیدمقداد ضیاءتبار، پژوهشگر اقتصادی، در گفت‌وگو با «فرهیختگان» اظهار داشت: «در شرایط فعلی اقتصاد کشور، به‌نظر می‌رسد زمان آن رسیده که بانک مرکزی، پس از دوره‌ای از سیاست‌های انقباضی و کنترل سخت‌گیرانه ترانزانه، اندکی عقب‌نشینی کرده‌ودر راستای تحریک تقاضا، نقش فعال‌تری ایفا کند. این تغییر رویکرد می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. ۱ کاهش تقاضای مؤثر در بازار: در حال حاضر بسیاری از کسب‌وکارها بسا کاهش تقاضا برای کالا‌ها و خدمات مواجه‌اند. این کاهش باعث رکود در بازار و افت سطح فعالیت اقتصادی شده است. در چنین شرایطی، اجرای سیاست‌های مالی و حمایتی از سوی دولت، به‌ویژه با طریق ابزارهای در اختیار بانک مرکزی، می‌تواند به تحریک تقاضا و بازگرداندن رونق به بازار کمک کند.

۲ آسیب‌دیدگی جدی کسب‌وکارها: جنگ ۱۲ روزه و فضای پس از آن، آسیبهایی گسترده‌ای به بسیاری از کسب‌وکارها وارد کرده است؛ چه در بخش فروش و بازار، و چه در تأمین مواد اولیه یا پرداخت حقوق کارکنان. برای بازگشت این واحدها به چرخه فعالیت، نیاز به حمایت مالی مستقیم و هدفمند وجود دارد که بانک مرکزی می‌تواند در طراحی آن نقش محوری داشته باشد.

۳ امکان شناسایی دقیق‌تر جامعه هدف: برخلاف شرایطی که کل اقتصاد درگیر است و سیاست‌های حمایتی گسترده دشوارتر اجرا می‌شوند، در وضعیت فعلی آسیب‌دیدگان مشخص‌تر هستند. حوزه‌هایی مانند فناوری دیجیتال، مسکن، مغازه‌ها و واحدهای صغنی مشخصاً آسیب‌دیده‌اند و امکان شناسایی دقیق محل و نوع خسارت وجود دارد. این شفافیت، اجرای سیاست‌های حمایتی را تریخش‌تر و قابل نظارت‌تر می‌سازد و احتمال انحراف منابع مالی را کاهش می‌دهد.

۴ لزوم هماهنگی فرابخشی: برای موفقیت در اجرای بسته‌های حمایتی، لازم است بانک مرکزی با نهادهایی چون وزارت راه و شهرسازی، وزارت جهاد کشاورزی و حتی صندوق توسعه ملی همکاری تنگاتنگ داشته باشد. طراحی بسته‌ای جامع، هماهنگ و مبتنی بر شناسایی دقیق نیازها، می‌تواند نقش کلیدی در احیای بخش‌های آسیب‌دیده ایفا کند. با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی حاکم، عقب‌نشینی محدود بانک مرکزی از سیاست‌های انقباضی نه تنها قابل توجیه است، بلکه اقدامی منطقی در راستای کمک به ترمیم آسیبهای وارده به اقتصاد کشور خواهد بود.»

« اولویت زنده نگه داشتن اقتصاد است

وی افزود: «اقتصاد کشور این روزها درگیر تورم بالایی است که عمدتاً ناشی از فشارهای سمت عرضه است. برخلاف تصور عمومی، عامل اصلی افزایش قیمت‌ها نه تقاضای بی‌رویه، بلکه مشکلات و تنگناهای موجود در عرضه کالا‌ها و خدمات است. به‌عنوان نمونه، در ایام جنگ شاهد افزایش قیمت برنج بودیم، در حالی که تقاضای برای آن کاهش یافته‌بود؛ این موضوع نشان می‌دهد فشار تورمی بیشتر از سمت عرضه است. به‌نظر می‌رسد در شرایط کنونی، اقتصاد مانند بیماری است که در حال از دست دادن توان خود است؛ اولویت باید حفظ حیات و ثبات نسبی باشد. درست است که برخی اقدامات ممکن است عوارض جانبی به همراه داشته باشد، اما در شرایط اضطراری، اولویت با زنده نگه‌داشتن اقتصاد است تا پس از آن بتوان دوباره بهبود کیفیت و چگونگی ادامه مسیر تصمیم‌گیری کرد. ستون فقرات اقتصاد، یعنی بخش تولید، به‌شدت تحت فشار قرار گرفته و کمر خم کرده است. دولت باید در قالب سیاست‌های صنعتی تمرکز خود را بر نجات این بخش بگذارد. اما پس از سال‌ها، بدون داشتن یک استراتژی صنعتی شفاف و عملیاتی، اکنون زمان اتخاذ تصمیم‌های کوتاه‌مدت و اضطراری است. صحبت‌های کلی در باره سیاست‌صنعتی و بسته‌های حمایتی، هرچند درست، اما در این شرایط نمی‌تواند پاسخ‌گو باشد.»

« کسب‌وکارهای کوچک و آسیب‌دیده اولویت اول باشند

ضیاءتبار در پایان یادآور شد: «اولویت اصلی حمایت از بخش‌های آسیب‌دیده اقتصاد، به‌ویژه کسب‌وکارهای کوچک است؛ آن‌ها که نه‌دسترسی آسان به اعتبارات بانکی دارند و نه توان مالی لازم برای عبور از بحران فعلی را. کسب‌وکارهای کوچک، بخش بزرگی از اقتصاد و اشتغال کشور را تشکیل می‌دهند و خطر جدی متوجه این بخش است. کسب‌وکارهای بزرگ، به‌دلیل ظرفیت‌های مالی بیشتر، نسبتاً مقاوم‌ترند و اولویت حمایت باید به آن‌ها تعلق نگیرد که در معرض آسیب جدی هستند. در نهایت، بار اصلی اشتغال در کشور بر دوش کسب‌وکارهای کوچک است. ناخنده گرفتن این بخش یعنی غفلت از بخش عمده‌ای از فعالان اقتصادی و شاغلان کشور؛ بنابراین، حمایت هدفمند و فوری از این بخش ضرورت انکارناپذیر امروز اقتصاد ایران است.»

« سیاست انقباضی در شرایط فعلی ناکارآمد است

عباس عباس‌پور، کارشناس اقتصادی در رابطه با نامه اخیر برخی اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس به بانک مرکزی گفت: «به‌نظر می‌رسد نامه با سریرگ کمیسیون منتشر شده اما صرفاً دو نفر از نمایندگان آن را امضا کرده‌اند، اما با اصل پیام نامه که خواستار توقف سیاست‌های پولی انقباضی در شرایط فعلی است، موافقم.» وی ادامه داد: «در شرایطی که منشأ اصلی تورم، تکانه‌های سمت عرضه است، تداوم

می‌کند. نتیجه فراگیر شدن کشت قراردادی در کشور، رشد قابل توجه تولیدات کشاورزی و تأمین بیشتر مایحتاج مردم بی‌نیازی به واردات علی‌الخصوص در شرایط فعلی خواهد بود. یکی از طرح‌هایی که به فراگیر شدن کشت قراردادی کمک می‌کند، طراحی یک سکوی مجازی است که مردم را به عنوان طرف قرارداد مستقیماً به کشاورزان متصل کند. نحوه کار این سکوها این شکل است که مردم در این سکو، جایگزین دولت و شرکت‌های دولتی می‌شوند و تأمین مالی هزینه‌های کشت را به جای کشاورز بر عهده می‌گیرند و در مقابل بخشی از مایحتاج خود که همان محصول کشت‌شده توسط کشاورز است را پس از برداشت با قیمتی مناسب‌تر از قیمت روز بازار تحویل می‌گیرند و ضمانت انجام تعهدات و کیفیت محصولات نیز توسط سکو از طرفین اخذ می‌شود. توضیح بیشتر اینکه فرض کنید کشاورزی قصد دارد در زمین خود نخود بکارد و مایل است وارد این سکو شود. کشاورز پس از ثبت اطلاعات خود، اظهار می‌کند که برای کاشت نخود در زمین یک هکتاری خود، نیاز به تأمین مالی برای هزینه‌های کشاورزی دارد. کاربران مردمی نیز با مشاهده درخواست این کشاورز در سکو به مقدار نیاز خود و نزدیکانشان

سیاست پولی انقباضی نمی‌تواند به کنترل مؤثر تورم منجر شود. اقتصاد ما طی سال‌های اخیر با مشکلات ساختاری در سمت عرضه روبه‌رو بوده و تورم به‌طور عمده ناشی از نوسانات ارزی، بی‌ثباتی‌های سیاسی و اختلالات در تراز ارزی کشور است. سیاست پولی انقباضی در سال‌های گذشته نه تنها موفق به کنترل تورم نشده، بلکه در برخی موارد، حتی به افزایش فشارهای تورمی نیز دامن زده است. علت این مسئله نیز روشن است: تورم‌های مزمن در اقتصاد ایران عمدتاً ناشی از شوک‌های بیرونی و نوسانات سمت عرضه هستند، نه رشد بیش از حد تقاضا یا نقدینگی.» وی تصریح کرد: «با توجه به اینکه ریشه‌های اصلی تورم در کشور از تحولات بازار ارز و انتظارات ناشی از متغیرهای کلان سیاسی و دسترسی به منابع ارزی ناشی می‌شود، بانک مرکزی باید تمرکز اصلی خود را به جای سیاست‌های پولی انقباضی، بر سیاست‌های ارزی قرار دهد.»

« لزوم استفادهٔ هدفمند از سیاست‌های اعتباری

وی افزود: «سیاست پولی کشور باید به سمت سیاست اعتباری هدفمند سوق داده شود؛ به‌طوری‌که بتواند برای بانک‌ها در اعطای تسهیلات گشایش ایجاد کند و حمایت مشخصی از بخش‌هایی از صنایع و همچنین خانوارهای تحت فشار اقتصادی به عمل آورد.»

« تأمین مالی ۴۰ درصدی نتیجهٔ سیاست انقباضی است

عباس‌پور در تشریح اثرات سیاست‌های پولی انقباضی بانک مرکزی گفت: «یکی از پیامدهای مستقیم این سیاست‌ها، افزایش نرخ تأمین مالی به حدود ۴۰ درصد در بازار است. این موضوع در نتیجه محدودیت‌هایی است که بانک مرکزی در تأمین ذخایر مورد نیاز بانک‌ها ایجاد کرده است.»

وی ادامه داد: «زمانی که بانک مرکزی ذخایر مورد نیاز بانک‌ها را در اختیار آن‌ها قرار نمی‌دهد، بانک‌ها ناچار می‌شوند برای تأمین نیازهای روزمره خود، از یکدیگر در بازار بین‌بانکی استقراض کنند. این موضوع ابتدا منجر به افزایش نرخ بازار بین‌بانکی می‌شود. در ادامه، در صورت عدم دسترسی به منابع کافی در این بازار، بانک‌ها به رقابت تشدید برای جذب سپرده‌های جدید روی می‌آورند که اصطلاحاً به آن «جنگ سپرده‌ای» می‌گویم. در این جنگ، بانک‌ها به‌ناچار نرخ سود سپرده‌ها را افزایش می‌دهند تا بتوانند منابع جذب کنند. این افزایش نرخ سود مستقیماً هزینه تأمین مالی بانک‌ها را بالا می‌برد و در نهایت به رشد نرخ بهره در تمام بازارهای مالی منجر می‌شود.»

« اثر معکوس سیاست انقباضی بر تورم

عباس‌پور ادامه داد: «این روند عملاً یک چرخه معیوب ایجاد می‌کند؛ به‌طوری‌که سیاست انقباضی که قرار بود تورمی باشد، در عمل به افزایش هزینه‌های تأمین مالی و در نتیجه، به تورم بیشتر منجر می‌شود. اگر بانک مرکزی ذخایر مورد نیاز بانک‌ها را، نه بیش از حد بلکه در حد ضرورت عملیات بانکی در اختیار آن‌ها قرار ندهد، هم شاهد اضافه‌داشت‌های بیشتر خواهیم بود و هم افزایش نرخ بهره در همه بازارها را تجربه خواهیم کرد. این وضعیت هم به ضرر بانک‌هاست و هم به ضرر بخش واقعی اقتصاد که باید با نرخ‌های بالا تأمین مالی کند.»

« کنترل رشد نقدینگی با حفظ انضباط در محدوده مجاز

وی با اشاره به ضرورت حفظ انضباط پولی افزود: «بانک مرکزی باید همچنان بر سقف رشد نقدینگی در ۲۵ درصد پافشاری کند. این بدان معناست که نباید اجازه دهد بانک‌ها خارج از چهارچوب نظارتی وزیر نظر خود، بیش از این میزان رشد داشته باشند.»

« حمایت از خانوار، خارج از سقف ترازنامه‌ای

عباس‌پور افزود: «بانک مرکزی و دولت باید بخشی از تسهیلات حمایتی برای خانوارها را به‌ویژه تسهیلات ازدواج، فرزندآوری و سایر وام‌های اجتماعی که سندمحور هستند، از شمول محدودیت‌های ترازنامه‌ای معاف کنند. با این اقدام ضمن حمایت هدفمند از خانسوار هزینه‌های مالی در اقتصاد کاهش می‌یابد و نرخ‌های بهره نیز تعدیل خواهد شد.»

« فعال‌سازی بند پیشران دردو لایهٔ پایه پولی و نقدینگی

عباس‌پور با اشاره به اینکه شرایط فعلی بیشتر جنبه اضطراری دارد تا توسعه‌ای، اظهار داشت: «گرچه طرفدار سیاست صنعتی هستم، اما در وضعیت کنونی که به‌نوعی شرایط جنگی بر اقتصاد حاکم است، اجرای سیاست صنعتی چندان اولویت ندارد. با این حال، اگر دولت بخواهد در این مسیر گام بردارد، سند سیاست صنعتی که توسط وزارت صمت تهیه شده، آماده اجراست.»

وی ادامه داد: «بند پیشران هم در لایه پایه پولی و هم در لایه نقدینگی قابل فعال‌سازی است. در لایه پولی، بانک مرکزی می‌تواند از طریق خرید قطعی اوراق یا اعطای خطوط اعتباری ترجیحی به بانک‌ها، ذخایر متناسب در اختیار شبکه بانکی قرار دهد تا هزینه تأمین مالی کاهش یابد و پروژه‌های ضروری اقتصادی راه بیفتند.» عباس‌پور گفت: «بنده با کلیت این پیشنهاد موافقم که اجازه سرمایه‌گذاری به سازمان‌های توسعه‌ای داده شود؛ اما معتقدم این سازمان‌ها همین حالا هم از امکان سرمایه‌گذاری برخوردارند، منتها در عمل بنا به دلایل مختلفی سرمایه‌گذاری نمی‌کنند.»

۴۰ درصد قیمت روز نخود را به عنوان پیش‌پرداخت و برای کمک به شش‌رو ع فرایند کشت به کشاورز می‌دهند و پس از برداشت ۶۰ درصد هزینه باقی مانده را با همان قیمت توافق شده چند ماه پیش به کشاورز پرداخت کرده و محصول خود را تحویل می‌گیرند. در واقع مردم با شرکت در این طرح در چهار اتفاق مثبت‌دخیل می‌شوند. اولاً مایحتاج خود را با حذف واسطه‌ها با قیمتی مناسب‌تر و با اطمینان تهیه می‌کنند. ثانیاً به کشاورز در تأمین مالی اولیه برای کشت کمک کرده و خرید محصولش را تضمین می‌کنند. ثالثاً و اما همه مهم‌تر در ایجاد امنیت غذایی کشور و وابستگی کمتر به خارج کمک خواهند کرد. رابعاً مردم به دلیل خریدی که انجام داده‌اند از بابت تأمین مایحتاج خود نگران نخواهند بود و به بازار هجوم نمی‌برند. در این مدل با توجه به حضور مستقیم مردم و کشاورزان دیگر نیازی به ورود دولت چه از نظر مالی و چه از نظر درگیری در دولت نیست. لذا این سکو می‌تواند در کنار افزایش تولید کشاورزی به توزیع مناسب آن در طول زمان کمک کرده و در شرایط بحران و مشکلات نیز نگرانی مردم برای تأمین پایدار مایحتاج خود را برطرف و از سوی دیگر نگرانی کشاورز برای فروش و قیمت محصول را رفع کند.